

فصلنامه (مقاله علمی-پژوهشی) جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم (پیاپی ۱۰)، تابستان

۱۳۹۹صص ۶۰۴-۵۸۲

### بررسی ارتباط بین سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۹۹/۳/۳

الهام امیری فر<sup>۱</sup>

محمدعلی چیت ساز<sup>۲</sup>

اصغر محمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

زنان به عنوان بخشی از سرمایه های انسانی هر جامعه، با مشارکت سیاسی خود می توانند نقش تعیین کننده ای در اداره ی کشور داشته باشند و بنابراین توجه به رفتار انتخاباتی آنان مسئله ای مهم می باشد. با توجه به اهمیت بحث از رفتار انتخاباتی زنان، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار پرسشنامه و استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین ابعاد مختلف سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر زنان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز می باشد که ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سلامت اجتماعی (۰/۳۵) اجتماعی و ابعاد آن یعنی همبستگی اجتماعی (۰/۳۸)، مشارکت اجتماعی (۰/۴۱)، انسجام اجتماعی (۰/۳۰)، پذیرش اجتماعی (۰/۲۷) و خودشکوفایی اجتماعی (۰/۳۵) با رفتار انتخاباتی زنان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش نأیید می شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر سلامت اجتماعی در مجموع ۰/۵۵ از واریانس متغیر رفتار انتخاباتی زنان را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۰) برآورد می شود.

**کلیدواژگان:** رفتار انتخاباتی، زنان، سلامت اجتماعی، مشارکت سیاسی.

### مقدمه و بیان مسئله

توسعه ملی در کشورهای جهان سوم بیش از هر چیز به مشارکت فعال و وفاق اجتماعی مؤثر افراد جامعه وابسته است. فقدان این مشارکت و وفاق اجتماعی زمینه بر خورد و اختلاف و تضاد را در میان عملکرد بخش های مختلف (خصوصی و عمومی) جامعه فراهم می آورد و بخش اعظم منابع کمیاب این کشور صرف مقابله

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

۲. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول).

۳. استادیار گروه جامعه شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.

با عوارض نامطلوب این برخوردها می‌گردد. مشارکت دارای ابعاد مختلفی می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آن مشارکت سیاسی می‌باشد (مجبی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۴۶).

مشارکت سیاسی در نظام دموکراسی غیر مستقیم، نقش حیاتی ایفا می‌کند. انتخاب، ساز و کار اصلی برای تحقق حاکمیت مردمی است. قدرت نهایی از آن مردم است و مردم این قدرت را از طریق فرآیند مشارکت سیاسی به نمایندگان واگذار می‌کنند. در این میان مشارکت به شهروندان امکان می‌دهد تا مقامات مسئول را جایگزین کرده و دولت را تغییر دهند. از این رو، مشارکت باعث می‌گردد تا متصدیان امور در مقابل ملت پاسخگو و مسئول باشند. دانشمندانی چون آلوین تافلر بر ضرورت مشارکت در آینده تأکید دارند. وی معتقد است که هرگز در طول تاریخی مثل امروز و آینده موضوع ارتباط و مشارکت دارای اهمیت نبوده است. همچنین وی اظهار می‌دارد: نخبگان هر قدر که روشن اندیش باشند باز به تنهایی قادر به ایجاد تمدنی جدید نیستند. ایجاد تمدنی جدید مستلزم نیروی همه‌ی انسان‌هاست و این نیرو موجود و آماده کار است (تافلر، ۱۳۹۷: ۱۱).

موضوع مشارکت سیاسی و چگونگی تحقق آن، ریشه در تاریخ دیرینه ملت‌ها دارد و امروز این مفهوم اهمیت دو چندان پیدا کرده است و مشارکت در عرصه‌های گوناگون همواره مورد بحث بسیاری از اندیشه‌گران و صاحب‌نظران بوده است؛ به گونه‌ای که به نظر برخی از صاحب‌نظران محور اصلی توسعه بر پایه مشارکت سیاسی استوار است. در این ارتباط لوسین پای توسعه را منوط به گذار موفقیت‌آمیز نظام‌ها از شش بحران می‌داند که یکی از آنها بحران مشارکت است (پای، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

گسترش بی‌تفاوتی و بی‌حسی سیاسی که باعث می‌شود قدرت در دست افراد غیر مسئول و قدرت طلب قرار بگیرد، کاهش چشمگیر توجه حکام و حکومت به مصالح مردم - چراکه اعمال هرگونه سیاستی بازخورد اجتماعی چندانی نخواهد داشت -، ممانعت از رشد اپوزیسیون و سازمان‌های مختلف، تنزل چشمگیر آموزش سیاسی مردم و ... از جمله پیامدهای کاهش مشارکت سیاسی در سطح جامعه است که موجب می‌شود لطمه‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری به سیستم سیاسی و اجتماعی وارد شود (ملائکه و امیری فر، ۱۳۹۶: ۶۳).

زنان به عنوان بخشی از سرمایه‌های انسانی هر جامعه، با مشارکت سیاسی خود می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در اداره‌ی کشور داشته باشند. مشارکت سیاسی به معنای «فرصت‌های پرداختن شمار زیادی از شهروندان به امور سیاسی و به عنوان نقطه تلاقی ساختار فرهنگی و سیاسی در هر جامعه‌ای است (آبرامسون، ۱۳۸۳؛ ۱۲۴۱، نقل از گلابی و حاجیلو، ۱۳۹۱: ۱۷۵ - ۱۷۳) گسترش بی‌تفاوتی و بی‌حسی سیاسی زنان که باعث می‌شود قدرت در دست افراد غیر مسئول و قدرت طلب قرار بگیرد، کاهش چشمگیر توجه حکام و حکومت به مصالح مردم - چراکه اعمال هرگونه سیاستی بازخورد اجتماعی چندانی نخواهد داشت -، ممانعت از رشد اپوزیسیون و سازمان‌های مختلف، تنزل چشمگیر آموزش سیاسی مردم و ... از جمله پیامدهای کاهش مشارکت سیاسی در سطح جامعه است که موجب می‌شود لطمه‌ها و خسارات جبران‌ناپذیری به سیستم سیاسی و اجتماعی وارد شود.

تمایل گسترده‌ی آحاد مردم به نیل به دموکراسی و مشارکت آنان به ویژه زنان در امور سیاست، یکی از شاخصه‌های مهم جهانی شدن در ابعاد سیاسی است. بنابراین رفتار انتخاباتی در همه‌ی فعالیت‌های اجتماعی مانند

سیاست ضروری است به نحوی که می توان گفت بودن زنان در امور سیاسی، موجب ناتمامی دموکراسی را در جامعه فراهم می کند. از جمله عوامل مرتبط با رفتار انتخاباتی مردم سلامت اجتماعی اجتماعی می باشد. سلامت موضوعی مطرح در همه ی فرهنگ هاست و تعریف آن در هر جامعه ای تا اندازه ای به حس مشترک مردمان از سلامت و فرهنگ آنها باز می گردد؛ ولی معمولاً هر گاه از آن سخنی به میان آمده است بیشتر بعد جسمانی آن مورد توجه بوده، در حالی که رشد و تعالی جامعه در گرو تندرستی آن جامعه از ابعاد جسمانی، روانی و اجتماعی است (سجادی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۴).

سلامت اجتماعی که اساسی ترین جزء رفاه اجتماعی به شمار می رود، بیش از مداخلات پزشکی، به عوامل اجتماعی و اقتصادی وابسته بوده و یکی از مفاهیم محوری توسعه پایدار است. سلامت مقوله ای است که نقش آن در ارتقاء شاخص های توسعه ی انسانی انکار ناپذیر است. لذا مبارزه با عواملی که این پدیده را تحت تأثیر قرار داده و همچنین سبب نابرابری هایی در سلامتی می گردند، از اولویت های همه ی افراد جامعه و دولت ها محسوب می شود (رستگار و سیدان، ۱۳۹۴: ۸۶) و بنابراین توجه به آن مسئله ای اساسی می باشد و پدر این پژوهش به بررسی این سؤال اصلی پرداخته شده است که آیا بین سلامت اجتماعی و مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد؟

شهر اهواز به عنوان مرکز استان خوزستان به عنوان یکی از مهم ترین شهرهای ایران و یکی از استراتژیک ترین مناطق ایران از لحاظ سیاسی و اجتماعی می باشد. در این شهر اقوام، مذاهب و گرایش های سیاسی متفاوتی رواج دارد و این وضعیت هویت های گوناگونی را به وجود آورده است. این موضوع سبب شده است که در شهر اهواز در بسیاری از موارد نوعی بی تفاوتی سیاسی شکل گیرد که با توجه به وجود تعصبات قبیله موجب شده است نوعی بدبینی نسبت به رفتارهای سیاسی و انتخاباتی زنان وجود داشته باشد و معمولاً زنان در صحنه های سیاسی کمتر مشارکت دارند. از آنجایی که عوامل موثر بر مشارکت پذیری زنان بویژه در شهرستان اهواز بر مبنای گسترده ای از متغیر های تاثیر گذار (مستقل و زمینه ای) هنوز به طور کامل بررسی نشده است حوزه زنان بتوانند موانع مشارکت حداکثری زنان را شناسایی و برطرف نمایند و فرصت مطلوبتری را برای آنان فراهم آورند تا زنان در موقعیت های اجتماعی و عرصه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی به شکوفایی استعداد ها و توانایی های خود بپردازند. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین سلامت اجتماعی با رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز مسئله ای مهم و قابل بررسی علمی است.

### پیشینه پژوهش

### تحقیقات داخلی

- زاهدی و دیگران (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز» به انجام رساندند. هدف مقاله حاضر، بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز است. این پژوهش به صورت پیمایشی و ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است. در این پژوهش از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان ۱۸ تا ۶۴ سال شهر اهواز است، که حجم نمونه براساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر تعیین شد. از لحاظ زمانی این پژوهش در سال ۱۳۹۵-۹۶ اجرا شده است. تجزیه و تحلیل داده های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم افزار اس پی اس

اس انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی در تمام ابعاد (اعتماد فردی، اعتماد عمومی، اعتماد نهادی) بر متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) تأثیرگذار می‌باشد.

- نوری و سهیلی (۱۳۹۹) پژوهشی را با عنوان «ارزیابی جایگاه سلامت اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی دانش آموزان در مدارس اجتماعی (نمونه موردی: مجتمع آموزشی تیزکیه و مجتمع آموزشی مهدوی در شهر تهران)» به انجام رساندند. مشارکت نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی برای نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده است. لزوم مشارکت مردم در تمام فعالیت های اجتماعی و سیاسی امروزه در همه ی جوامع پذیرفته شده و روزه روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. در سال های اخیر، نیازهای خاص اجتماعی و ارتباط میان مدرسه و محیط اجتماعی از مسائل مورد توجه بوده است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سوال بود که آیا سلامت اجتماعی، در افزایش مشارکت اجتماعی دانش آموزان می‌تواند نقش موثری داشته باشد در طرح تحقیق این پژوهش به بررسی دو مجتمع آموزشی در شهر تهران پرداخته شد که با ساختار مدرسه اجتماعی همخوانی بیشتری داشت. روش تحقیق در این پروژه به صورت پیمایشی، روش استدلال به صورت استقرایی و با استفاده از پرسشنامه هایی که بر اساس شاخصه های مربوطه شکل گرفته اند مورد بررسی قرار گرفت. نتایج این پژوهش نشان داد که سلامت اجتماعی، می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی منجر شود.

- باقری و دیگران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز)» به انجام رساندند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل پژوهش (سن، درآمد، تحصیلات، قومیت، وضعیت تأهل، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی و پیوند اجتماعی) با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) رابطه‌ی معناداری دارند.

- رضایی و دیگران (۱۳۹۶) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران» به انجام رساندند. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد میان اعتماد به سازمان‌های دولتی، اعتماد به اساتید و امور اداری دانشگاه و اطمینان به افراد - آشنایان با میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه مستقیم وجود دارد.

- شهرام نیا و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به «سنجش تأثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران)» پرداختند. یافته های پژوهش نشان دادند که رابطه ای کاملاً مثبت بین شبکه بندی اجتماعی (سلسله مراتب شبکه و انواع مشارکت) و مشارکت سیاسی وجود دارد و بعد ساختی شبکه های اجتماعی بیشترین تأثیر را بر رفتار انتخاباتی دانشجویان داشته‌اند.

- عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴) در تحقیقی به «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی» پرداختند. براساس نتایج، افزایش سرمایه اجتماعی کاربران در فیس بوک، موجب افزایش مشارکت سیاسی آن‌ها در جهان واقعی می‌شود. همچنین از میان شاخص های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان، باز یا بسته بودن شبکه های گروه ها و صفحه ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع، چهار شاخص تبیین کننده مشارکت سیاسی کاربران هستند.

- نیک پورقنواتی و دیگران (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی زنان ۱۸ سال به بالای برازجان» به انجام رساندند. جامعه آماری زنان ۱۸ سال به بالای شهر برازجان می باشد. تعداد ۲۷۳ نفر با استفاده از جدول لین به عنوان نمونه به شیوه تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. یافته ها نشان می دهند که محل تولد، تحصیلات، شغل، طبقه اجتماعی، جهت گیری مذهبی، درآمد، استفاده از رسانه های جمعی، سیاسی بودن خانواده، سیاسی بودن دوستان و علاقه به برنامه های سیاسی با مشارکت سیاسی زنان رابطه معناداری دارند. بین سن، وضعیت تاهل و قومیت با مشارکت سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد.

- ابراهیم (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «عوامل موثر بر میزان سلامت اجتماعی زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر اصفهان (با تاکید بر میزان حمایت اجتماعی)» به انجام رساند. هدف این پژوهش، شناسایی بیشتر میزان سلامت اجتماعی زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر اصفهان و عوامل موثر بر آن (با تاکید بر حمایت اجتماعی) است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که هرچه زنان جوان از میزان حمایت اجتماعی بالاتری برخوردار، متناسب با آن سلامت اجتماعی بالاتری نیز دارند. بر همین اساس، بین مولفه های سه گانه حمایت اجتماعی (حمایت ابزاری، عاطفی، اطلاعاتی) و سلامت اجتماعی رابطه وجود دارد.

#### تحقیقات خارجی

- تنی و هانکوینت<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا» به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از روش های همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می پردازند. یافته هانشان دادند با افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی افزایش پیدا می کند.

- جمنا و کارلرو<sup>۲</sup> (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ارزش ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته اند.

- نیگارد<sup>۳</sup> و دیگران (۲۰۱۵) مقاله ای را با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی را در بزرگسالان میانسال افزایش می دهد؟ تحلیل چند سطحی از بزرگسالان فنلاند و سوئد» به انجام رساندند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که افرادی که در سازمان ها و شبکه های اجتماعی به صورت داوطلبانه عضویت داشته و به آنها اعتماد بالا دارند، تمایل بیشتری به مشارکت در مشارکت سیاسی دارند و البته منطق و تفکر هر کدام از این افراد در این مورد و نوع مشارکت شان متفاوت بوده است.

- سو<sup>۴</sup> (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی: با در نظر گرفتن توسعه ملی، اقتصادی، سیاسی و نابرابری اقتصادی» بر آن است تا همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی را نشان دهد و روابط میان را متغیرها در سطح کلان مانند توسعه سیاسی و اقتصادی، نابرابری نشان

1. Teney & Hanquinet

2. Jemna & Curelaru

3. Nygard

4. Suh

می دهد. نتایج تحقیق وی نشان می دهد که سرمایه انسانی که از شاخصه های عمومی اعتماد، اطمینان به دولت و مشارکت عمومی است با مشارکت سیاسی در نهادها (مانند رأی دادن) یا غیر نهادها (شرکت در راهپیمایی های صلح آمیز و . . .) ارتباط دارد.

– هافمن و دود<sup>۱</sup> (۲۰۱۴) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در آفریقا که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال» به عمل آوردند، با نمونه ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت گیری مذهبی از نظر شناختی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه ای در کنش سیاسی این افراد می گذارد. همچنین طبق یافته ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرا می خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.

– اسکوریک<sup>۲</sup> و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته اند. نتیجه گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

### مبانی نظری

#### نظریه های رفتار انتخاباتی

#### پری<sup>۳</sup>

پری معتقد است که باید سه جنبه از رفتار انتخاباتی یعنی شیوه مشارکت، شدت و کیفیت آن را بررسی کرد. منظور وی از شیوه مشارکت این است که مشارکت چه شکلی به خود می گیرد آیا رسمی است یا غیر رسمی و استدلال می کند که شیوه مشارکت بر طبق فرصت، میزان علاقه، منابع در دسترس فرد و نگرش های رایج به مشارکت در جامعه و به ویژه این که آیا مشارکت تشویق می شود یا نمی شود فرق دارد. منظور از شدت، سنجش تعداد افرادی است که در فعالیت های معین شرکت می کنند و هم تعداد دفعات مشارکت آنان است که باز هم ممکن است بر طبق فرصت ها و منابع فرق کند و می تواند شامل مشارکت فعالانه، بینابین و یا منفعلانه باشد. کیفیت به میزان اثر بخشی که در نتیجه مشارکت به دست می آید و سنجش تأثیر آن بر کسانی که قدرت را اعمال می کنند و نیز بر سیاستگذاری ها مربوط می شود. کیفیت هم بر طبق فرصت ها و منابع از جامعه ای به جامعه دیگر و از موردی به مورد دیگر فرق می کند (راش، ۱۳۹۳: ۱۲۴-۱۲۳).

#### هانتینگتون و نلسون<sup>۴</sup>

هانتینگتون و نلسون در مدل رفتار انتخاباتی خود به مشارکت در نظام سیاسی توجه ویژه ای مبذول داشته اند. به نظر آنها دو عامل اساسی در افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه دخالت دارند یکی نخبگان و دیگری توسعه اقتصادی – اجتماعی است. نخبگان جامعه برای بقا خود در مسند قدرت اقتصادی و اجتماعی نیز به دو صورت باعث مشارکت سیاسی افراد میشود. اول اینکه باعث تحرک اجتماعی افراد جامعه شده و در پی آن

1. Hoffman & Dowd

2. Skoric

3. Perry

4. Huntington and Nelson

کسب منزلت های بالاتر و احساس کارایی سیاسی را در افراد جامعه موجب می شود که در نهایت این فرایند فرد را به مشارکت سیاسی بیشتر رهنمون میکند. دوم اینکه توسعه اقتصادی- اجتماعی موجبات انسجام و تضاد گروهی را فراهم کرده که این مسأله باعث افزایش آگاهی گروهی و دخالت بیشتر افراد در فعالیتهای سازمانی و در نهایت مشارکت سیاسی می شود. به نظر این دو محقق در دراز مدت میتوان بین این متغیرها و مشارکت سیاسی رابطه قابل قبولی برقرار کرد و در کوتاه مدت متغیرهای دیگری چون مهاجرت، علائق مذهبی و غیره مطرح می شود. بطور کلی از نظر هانتینگتون و نلسون مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت سیاسی عبارتند از وضعیت اقتصادی- اجتماعی، عضویت در اتحادیه، احزاب و انجمن های مختلف حزبی و غیرحزبی، آگاهی حزبی و گروهی، وابستگی به گروههای قومی و مذهبی، اعتماد و انسجام اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، سطح آموزش، جنسیت، نوع اجتماع (مشارکت بیشتر اجتماع شهری نسبت به اجتماع روستایی) و منزلت اجتماعی (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶: ۱۶۳).

### لیپست<sup>۱</sup>

لیپست با افزایش سطح توسعه اقتصادی، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می شود سلامت اجتماعی همگان بیشتر می شود و سطح برابری در مصرف افزایش می یابد؛ تعداد موضع کمکی زیاد می شود و به دنبال آن طبقه متوسط نیز گسترش می یابد. اینها همه موجب می شوند که تقاضای اکثریت برای افزایش آزادی سیاسی و تفویض قدرت سیاسی در جامعه تقویت و تشدید شود. نتیجه آنکه با افزایش مواضع میانی در نظام قشربندی و افزایش تقاضا برای مشارکت سیاسی بیشتر از جانب جمعیت بیشتر، شرایط عینی برای افزایش تفویض قدرت و عدم تمرکز سیاسی در جامعه فراهم می شود (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۸۶). مطالعات لیپست صریحاً نشان داد که میان توسعه سیاسی (به معنای دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. وی برخی از کشورها را بر حسب شاخص های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام های سیاسی عقب مانده و توسعه یافته بر مبنای این شاخص ها با یکدیگر تفاوت های اساسی دارند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵).

### آلموند<sup>۲</sup>

آلموند اجتماعی شدن سیاسی را یکی از سه کارکرد درونداها در نظام سیاسی در جهت اثبات و تعادل سیستم در نظر می گیرد و رفتار انتخاباتی فعال را نتیجه اجتماعی شدن سیاسی می داند و تجربه بدست آمده در طول این فرایند است که مهارت های لازم را برای تعامل سیاسی در افراد بوجود می آورد و افراد را به مشارکت فعال در نظام سیاسی تشویق می نماید. از نظر آلموند و وربا سه عامل منابع (شامل وقت، پول و مهارتهای سازمانی)، عوامل روانی فعالیت سیاسی (علاقه شدید به سیاست، دانش سیاسی) و شبکه عضوگیری (عضویت در سازمانهای داوطلبانه، محل کار) فعالیت سیاسی را تسهیل می کند (بارکان، ۱۹۹۸: ۷۰).

1 . Lipset

2 . Almond

در نظریه کارکردگرایی آلموند و وربا از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام های فرعی تاکید شده است. همچنین از لحاظ رفتاری معتقد به مصلحت گرایی ارجح بودن فعالیت های دسته جمعی بر فردگرایی میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی می باشند (مهدی خانی، ۱۳۸۰: ۱۸۵). آنها پیشنهاد می کنند با اندازه گیری و تعیین میزان تغییر در ساختار اجتماعی، در الگوهای جامعه پذیری، در تجدید نظر نسبت به نقشهای سیاسی، در نرخ تقاضاها، در ایجاد گروه های نفوذ، احزاب سیاسی و وسایل ارتباطی جمعی، در تقسیم کار و کارکرد درون دیوانسالاری، این تغییرات را بعنوان شاخص های توسعه سیاسی و در نهایت بتوان بین تقاضاها و تصمیمات سیستم تعادل برقرار کرد (امین زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۴).

### مک کلارگ

مک کلارگ نیز با نظریه لایگلی موافق است و اضافه می نماید که کیفیت و کمیت شبکه تعاملات افراد در میزان رفتار سیاسی شان تعیین کننده است. از نظر وی هر چقدر تعاملات افراد دارای محتوای مربوط به سیاست باشد، میزان مشارکت سیاسی شان افزایش می یابد. همچنین هر چقدر اندازه شبکه تعاملات اجتماعی افراد بزرگتر باشد، مشارکت سیاسی شان را بیشتر تسهیل می کند.

بنابراین طبق نظر مک کلارگ مشارکت سیاسی افراد به تعاملات دارای محتوای سیاسی و اندازه شبکه تعاملات فرد بستگی دارد. همچنین وی اظهار می دارد که تعاملات سیاسی به زندگی خانوادگی محدود نیست و دوستان و آشنایان خارج از خانواده فرد نیز در مشارکت و درگیری سیاسی شان مؤثرند (مک کلارگ، ۲۰۰۱: ۴۵۵).

### نوریس

نوریس با ترکیب رویکردهای جامعه شناختی و روانشناختی الگوی خاصی برای تبیین رفتار انتخاباتی ارائه می دهد که در این باره به سه دسته نظریه در سطح خرد، کلان و متوسط اشاره دارد. در سطح کلان ما با ساختارهای کلی نظام مثل قانون اساسی، نظام حزبی، دیوانسالاری و... سرو کار داریم و در سطح میانی نهادهای بسیجگر و شبکه های اجتماعی که حس مشارکت در افراد را باعث می شوند مهم است. مانند: احزاب، اتحادیه ها و مراکز مذهبی. اما در سطح خرد ویژگی های شخصیتی افراد حائز اهمیت است که در دو قسمت نظریه منابع و نظریه انگیزش قابل بررسی است. در نظریه منابع به مجموعه ای از منابع تأثیرگذار در مشارکت سیاسی همچون تحصیلات و درآمد توجه می شود. در نظریه انگیزش نیز برخی عوامل انگیزشی چون اعتقادات دینی، ارزش های سیاسی و یا حس وظیفه ملی و مسئولیت مدنی در نظر گرفته می شود (نوریس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵: ۸).

### نظریه های سلامت اجتماعی

#### بلاک و برسلو<sup>۲</sup>

برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ در پژوهشی به مفهوم سلامت اجتماعی پرداخته اند. آنان مفهوم سلامت اجتماعی را با «درجه ی عملکرد اعضاء جامعه» مترادف دانستند و شاخص سلامت اجتماعی را ساختند. آنها تلاش کردند تا با طرح پرسش های گوناگون در ابعاد جسمی، روانی و اجتماعی سلامت فردی، به میزان فعالیت و عملکرد فرد در جامعه برسند (فرزانه و علیزاده، ۱۳۹۲: ۱۸۱).

1. Norris

2. Block & Breslow



## لارسن<sup>۱</sup>

لارسن سلامت اجتماعی را ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده، دیگران و گروه های اجتماعی تعریف کرده و بر آن است که این پدیده، بخشی از سلامت فرد را می سنجد، که نشانگر رضایت یا عدم رضایت او از زندگی اجتماعی بوده و شامل پاسخ های درونی فرد است. بنابراین، به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه می پردازد. هر نوع قطع ارتباط بین فرد و جامعه، به گونه ای که افراد در چارچوب های اجتماعی جذب نگردند، زمینه ای مساعد برای رشد انحرافات اجتماعی و پیدایش مشکلات سلامت را فراهم می آورد (لارسن، ۱۹۹۶: ۱۸۳).

## ماتسون<sup>۲</sup>

از نظر ماتسون یکی از جنبه های مهم رشد انسان، فرایند اجتماعی شدن اوست. انسان به عنوان موجودی اجتماعی، همواره ناگزیر است که با دیگران روابط متقابل داشته باشد. از طریق رفتار متقابل اجتماعی است که افراد شخصیت خود را می سازند و شیوه های زندگی جمعی و دانش، مهارت ها الگوهای رفتاری لازم را کسب می کنند. از طرفی به نظر می رسد که برقراری و حفظ یک ارتباط سالم و مستمر نیز مستلزم داشتن مهارت های اجتماعی و ارتباطی بخصوصی است که باید آنها را مورد توجه و بررسی قرار داد. ماتسون معتقد است که مهارت های ارتباطی رفتارهایی هستند که رشد آنها می تواند بر روابط بین افراد از یکسو و سلامت اجتماعی آنان و نیز عملکرد مفید و موثر در اجتماع از سوی دیگر، تأثیر داشته باشد. ماتسون مهارت های ارتباطی را به عنوان وسیله ارتباط میان فرد و محیط، تعریف می کند که این وسیله برای شروع و ادامه یک ارتباط سازنده و سالم با همسالان، به عنوان بخش مهمی از سلامت، مورد استفاده واقع می شود (حاتمی، ۱۳۸۸: ۶۵).

## کییز

مهم ترین و کامل ترین نظریه در زمینه ی سلامت اجتماعی را کییز مطرح کرده است که به عنوان مبنای پژوهش در اینجا به تفصیل بررسی می شود. کییز معتقد است که مدل سلامت اجتماعی (که در امتداد سلامت روانی مطرح می شود و زمینه کارکرد مثبت را فراهم می کند) شامل همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی به شرح نمودار زیر می شود:

نمودار شماره ۱. ابعاد سلامت اجتماعی از نظری کییز (به نقل از: حاتمی، ۱۳۸۸)

1 . Larson

۲ . Mattson



همبستگی اجتماعی: منظور از همبستگی اجتماعی، ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه اطرافش است. احساس تعلق می تواند جنبه ای محوری از سلامت باشد (ریف و دیگران، ۲۰۰۳: ۲۱۳). و لذا همبستگی با دیگران در محیط و جامعه اطراف می بایست حاصل یک تجربه مشترک شباهت بادیگران باشد (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۸۴).

مشارکت اجتماعی: مشارکت عبارتست از ارزیابی ارزش اجتماعی که فرد دارد و شامل این عقیده است که آیا فرد جزئی مهم از جامعه است و چه ارزشی را به جهان خود اضافه می کند. ایفای سهم اجتماعی با مفاهیم بازدهی و مسئولیت پذیری شباهت دارد. بازدهی فردی به این معناست که عقیده داشته باشیم می توانیم رفتار خاصی را از خود نشان دهیم و به اهداف ویژه ای برسیم (کییز، ۱۹۸۹: ۲۱۵).

انسجام اجتماعی: در این شاخص فرد خود را ارزیابی کرده و به این نتیجه می رسد که بخشی از جامعه بوده و خود را همچون سایرین در وقایع جامعه سهیم می داند. انسجام اجتماعی قابل قیاس با بی معنا بودن زندگی است. و شامل دیدگاه هایی می شود در این باره است که جامعه قابل سنجش و قابل پیش بینی است. از حیث روان شناختی، افراد سالم زندگی شخصی خود را با معنا و منسجم می بینند (ریف و دیگران، ۲۰۰۳: ۱۲۴).

شکوفایی اجتماعی: منظور از شکوفایی اجتماعی ارزیابی پتانسیل و خط سیر جامعه است. شکوفایی اجتماعی شامل درک افراد از این موضوع است که آنها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی اند که نوید توسعه بهینه را می دهد و هرچند این امر برای همه افراد درست نیست (کییز و شاپیرو، ۲۰۰۴: ۸۵).

پذیرش اجتماعی: پذیرش اجتماعی نسخه اجتماعی پذیرش خود است. افرادی که نگرش مثبتی به شخصیت خود دارند و جنبه های خوب و بد زندگی خود را توأمان می پذیرند نمونه هایی از سلامت روانی و اجتماعی هستند (ریف، ۱۹۸۹: ۷۷). منظور از پذیرش اجتماعی، درک فرد از جامعه با توجه به خصوصیات سایر افراد است (کییز، ۱۹۹۸: ۱۲۵). پذیرش اجتماعی شامل پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسانها است که همگی آنها باعث می شوند فرد درکنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند (کییز و شاپیرو، ۱۹۹۸: ۸۹).

### چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریه های مختلفی استفاده شده است. اما تنها نظریه هایی که مبنای استخراج فرضیه پژوهش یعنی ارتباط بین سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی هستند چارچوب نظری را تشکیل می دهند.

لیپست با افزایش سطح توسعه اقتصادی، بهبودی افزون برای اکثریت حاصل می شود سلامت اجتماعی همگان بیشتر می شود و سطح برابری در مصرف افزایش می یابد؛ مطالعات لیپست صریحاً نشان داد که میان توسعه سیاسی (به معنای دموکراسی) و عوامل اجتماعی و اقتصادی همبستگی وجود دارد. وی برخی از کشورها را بر حسب شاخص های اقتصادی مختلفی مانند درآمد ملی، صنعت، آموزش و شهرنشینی با یکدیگر مقایسه کرد و به این نتیجه رسید که نظام های سیاسی عقب مانده و توسعه یافته بر مبنای این شاخص ها با یکدیگر تفاوت های اساسی دارند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۵).

هانتینگتون و نلسون معتقدند که نخبگان جامعه برای بقا خود در مسند قدرت اقتصادی و اجتماعی نیز به دو صورت باعث مشارکت سیاسی افراد می شود. اول اینکه باعث تحرک اجتماعی افراد جامعه شده و در پی آن کسب منزلت های بالاتر و احساس کارایی سیاسی را در افراد جامعه موجب می شود که در نهایت این فرایند فرد را به مشارکت سیاسی بیشتر رهنمون میکند. دوم اینکه توسعه اقتصادی - اجتماعی موجبات انسجام و تضاد گروهی را فراهم کرده که این مسأله باعث افزایش آگاهی گروهی و دخالت بیشتر افراد در فعالیتهای سازمانی و در نهایت مشارکت سیاسی می شود. به نظر این دو محقق در دراز مدت می توان بین این متغیرها و مشارکت سیاسی رابطه قابل قبولی برقرار کرد و در کوتاه مدت متغیرهای دیگری چون مهاجرت، علائق مذهبی و غیره مطرح می شود. بطور کلی از نظر هانتینگتون و نلسون مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت سیاسی عبارتند از وضعیت اقتصادی - اجتماعی، عضویت در اتحادیه، احزاب و انجمن های مختلف حزبی و غیرحزبی، آگاهی حزبی و گروهی، وابستگی به گروه های قومی و مذهبی، سطح آموزش، جنسیت، نوع اجتماع (مشارکت بیشتر اجتماع شهری نسبت به اجتماع روستایی) و و منزلت اجتماعی (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶: ۱۶۳).

کیز معتقد است که ایفای سهم اجتماعی، با مفهوم سودمندی فردی که باندورا (۱۹۹۷) مطرح می کند همپوشانی دارد و نیز میتواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود، تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می تواند داشته باشد. برای بسیاری از افراد سخت است که به این احساس برسند که سهم ارزشمندی در جامعه دارند به ویژه وقتی که وجود خودشان برای خودشان ارزشمند نیست (الیاس و هارپر، ۱۹۷۵؛ کیز و شاپیرو، ۲۰۰۴). ایفای سهم اجتماعی تا اندازه ای مرتبط با درک فرد از موضوع است که نقش حیاتی در جامعه به او سپرده شده است (کیز، ۱۹۸۸: ۱۴۸). افرادی که سالم ترند به ماهیت جهان اجتماعی خود علاقمندند و می توانند شیوه عملکرد آن را درک کنند. کیز معتقد است که انسجام اجتماعی عبارت از درک این موضوع است که «جامعه را می توان درک کرد و عقلانی و قابل پیش بینی می باشد» (کیز، ۱۹۸۸: ۱۲۳).

بنابراین از نظریه های لیپست، هانتینگتون و نلسون و کیز این فرضیه اصلی استخراج می گردد که:

- بین سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی ارتباط وجود دارد.

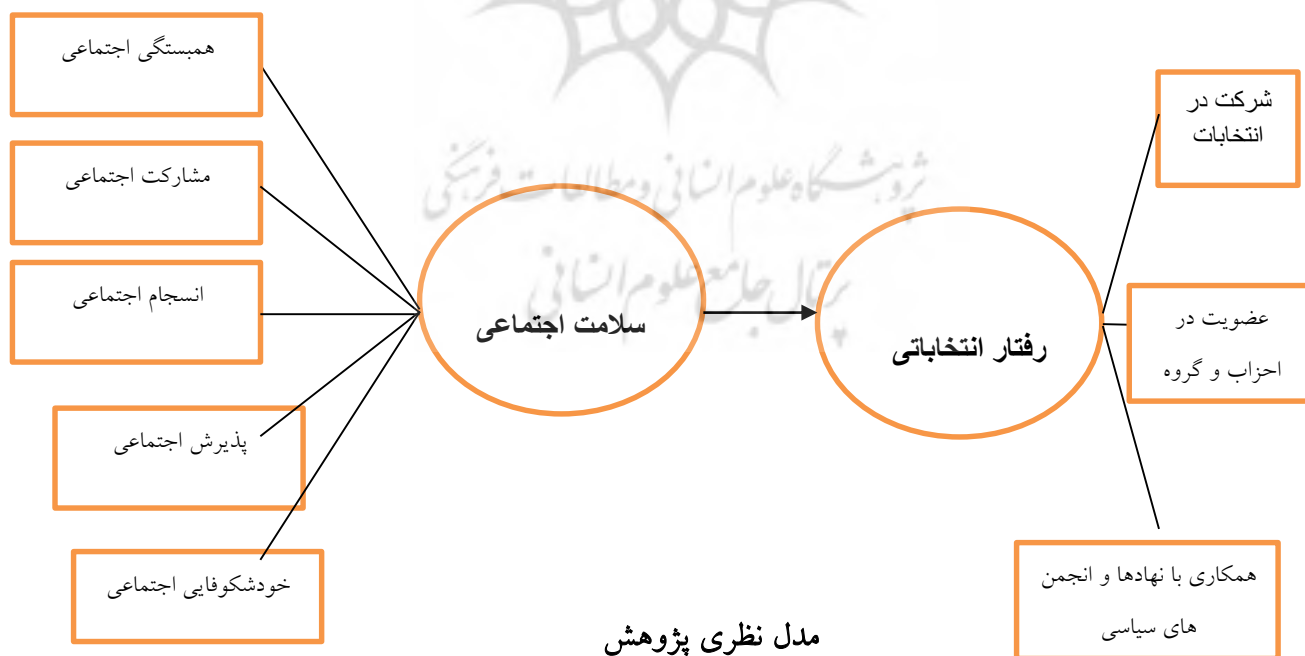
**فرضیه های پژوهش**

**فرضیه اصلی**

بین سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.

**فرضیه های فرعی**

- بین همبستگی اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.
- بین مشارکت اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.
- بین انسجام اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.
- بین پذیرش اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.
- بین خودشکوفایی اجتماعی و رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز ارتباط وجود دارد.



**مدل نظری پژوهش**

**روش شناسی تحقیق**

تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پیش از آغاز پیمایش، پرسشنامه ی ابتدایی مورد آزمون اولیه قرار گرفت و با استفاده از نتایج به دست آمده، نقایص موجود برطرف و پرسشنامه نهایی تنظیم شد. در جهت اطمینان از اعتبار پرسشنامه به مشاوره و بهره گیری از نظرات اساتید و کارشناسان مربوطه و همچنین از آزمون آلفای کرونباخ جهت پایایی پرسشنامه اقدام شده است و بر اساس ضریب آلفا بعد از حذف گویه های با ضریب پایایی پایین، ضریب پایایی تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۷ می باشد.

جدول ۱. پایایی پرسشنامه نهایی بر اساس ضریب آلفای کرون باخ مطابق جدول ذیل است:

متغیر	شاخص	ضریب آلفا
رفتار انتخاباتی	شرکت در انتخابات	۰/۷۳۰
	عضویت در احزاب و گروه های سیاسی	۰/۸۱۱
	همکاری با نهادها و انجمن های سیاسی	۰/۸۰۶
سلامت اجتماعی	همبستگی اجتماعی	۰/۸۳۱
	مشارکت اجتماعی	۰/۷۲۵
	انسجام اجتماعی	۰/۷۶۵
	پذیرش اجتماعی	۰/۷۸۹
	خودشکوفائی اجتماعی	۰/۷۸۰

جامعه آماری پژوهش حاضر، تمامی زنان ۱۸ سال به بالای شهر اهواز می باشد که تعداد آنها بر اساس آخرین آمار در حدود ۴۰۰ هزار نفر می باشد. از آنجا که به طور طبیعی امکان مطالعه دیدگاه های تمامی ساکنان وجود نداشت از شیوه ی «نمونه گیری» برای تبیین نظریات افراد مورد مطالعه استفاده شده است و بر اساس فورمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان حجم نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \frac{t^2 pq}{d^2} + 1}$$

$$N = 400000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{1/96,^2 \quad 0/5, 0/5,}{0/05,^2}}{1 \quad \frac{1}{400000} \quad \frac{(1/96) \quad 0/5, 0/5,}{(0/05)^2} \quad 1} \quad 384$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله ای با استفاده از نمونه گیری خوشه ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. بدین صورت که تعدادی از محله های شهر اهواز انتخاب و از هر مرحله به صورت تصادفی نمونه نهایی مورد مطالعه قرار گرفت. پس از گردآوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست های آماری متناسب بکار گرفته شد.

### تعریف متغیرهای پژوهش

#### - سلامت اجتماعی

تعریف مفهومی: سازمان بهداشت جهانی تعریفی از سلامتی ارائه داد که بدین قرار است: «سلامت رفاه کامل فرد از نظر جسمانی، روانی و اجتماعی است و نه فقدان بیماری و یا معلولیت». منظور از سلامت اجتماعی آن بعد از رفاه هر فرد است که مربوط است به اینکه او چگونه با سایر افراد ارتباط برقرار می کند (مارموت و ویلکینسون، ۱۳۸۷: ۳۴۲). در واقع زمانی شخص را واجد سلامت اجتماعی بر می شمارند که بتواند فعالیت ها و نقش های اجتماعی خود را در حد متعارف بروز و ظهور دهد و با جامعه و هنجارهای اجتماعی احساس پیوند و اتصال کند (فدایی مهربانی، ۱۳۸۶: ۸).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش سلامت اجتماعی با شاخص های همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی سنجیده شده است.

#### - رفتار انتخاباتی

تعریف مفهومی: رفتار انتخاباتی، نوعی کنش سیاسی است که با کار کردهای ساختی خرده نظام های اقتصادی و جامعه ای و فرهنگی در سطح کلان نظام اجتماعی رابطه دارد؛ در سطح خرد، نظام اجتماعی با وضعیت ارگانیک رفتاری، شخصیت، اجتماع و الگوهای رفتاری آن ارتباط می یابد. و در نهایت، در سطح میانه نظام اجتماعی، با شرایط تکنولوژیک، بوروکراتیک، آموزشی و نمادین سازمان اجتماعی مرتبط می شود. در این میان، اگر جامعه را نظامی اجتماعی بدانیم که بر حسب اصل تفکیک پذیری ساختی به ارائه ی کارکردهای خود می پردازد و اجتماع را آن نوع از نظام اجتماعی تلقی کنیم که طبق اصل ادغام پذیری ساختی، کارکردهای خود را به منصفه ظهور می رساند، در این صورت، می توان به تنوع رفتار انتخاباتی در قالب های فوق حکم کرد (راش، ۱۳۹۳: ۱۲۳).

تعریف عملیاتی: در این پژوهش مشارکت سیاسی با شاخص های شرکت در انتخابات، عضویت در احزاب و گروه های سیاسی و همکاری با نهادها و انجمن های سیاسی سنجیده شده است.

#### یافته ها

#### یافته های توصیفی

نتایج فراوانی متغیر وضعیت تأهل نشان می دهد که ۶۱/۱۳ درصد افراد مورد مطالعه متأهل و ۳۸/۸۷ درصد دیگر را مجرد تشکیل داده اند.

بر اساس یافته ها ۱۴/۴۱ درصد از پاسخگویان دارای سن ۱۸ تا ۲۴ سال، ۲۲/۰۵ درصد دارای سن ۲۵ تا ۲۹ سال، ۱۵/۵۵ درصد دارای سن ۳۰ تا ۳۵ سال، ۲۰/۷۰ درصد ۳۶ تا ۴۰ سال، ۸/۳۳ درصد ۴۱ تا ۴۵ سال، ۱۰/۸۱ درصد ۴۶ تا ۵۰ سال، ۶/۰۵ درصد ۵۱ تا ۶۰ سال و ۲/۱۰ درصد پاسخگویان ۶۰ سال به بالا هستند.

### آمار توصیفی متغیر رفتار انتخاباتی

جدول ۲: آمار توصیفی رفتار انتخاباتی

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مولفه های مشارکت سیاسی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۳/۶۳	۱۸/۲۳	۷۰	۴۳/۲۳	۱۶۶	۲۵/۷۸	۹۹	۸/۳۴	۳۲	۴/۴۲	۱۷	شرکت در انتخابات
۲/۷۵	۵/۷۲	۲۲	۲۱/۰۹	۸۱	۳۵/۹۳	۱۳۸	۱۷/۴۶	۶۷	۱۹/۷۹	۷۶	همکاری با نهادها و انجمن های سیاسی
۲/۸۴	۱۰/۹۴	۴۵	۲۱/۰۹	۸۶	۳۵/۹۳	۶۵	۱۷/۴۶	۱۲۵	۱۴/۵۸	۵۵	عضویت در احزاب و گروه های سیاسی
۳/۰۷											میزان کل رفتار انتخاباتی

یافته ها نشان می دهد که در بین شاخص های مشارکت سیاسی، شرکت در انتخابات دارای بیشترین میانگین یعنی (۳/۶۳) و همکاری با نهادها و انجمن های سیاسی دارای کمترین میانگین یعنی (۲/۷۵) می باشد. میانگین عضویت در احزاب و گروه های سیاسی (۲/۸۴) و میانگین کلی رفتار انتخاباتی (۳/۰۷) است که نشان می دهد پاسخگویان در حد متوسط فعالانه می باشد.

### آمار توصیفی متغیر سلامت اجتماعی

جدول ۳: آمار توصیفی سلامت اجتماعی

میانگین	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مولفه های سلامت اجتماعی
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲/۹۶	۱۰/۹۴	۴۲	۲۱/۰۹	۸۱	۳۵/۹۳	۱۳۸	۱۷/۴۶	۶۷	۱۴/۵۸	۵۶	مشارکت اجتماعی
۳/۴۵	۲۰/۳۱	۷۸	۲۸/۶۵	۱۱۰	۳۲/۰۳	۱۲۳	۱۴/۰۶	۵۴	۴/۹۵	۱۹	انجام اجتماعی
۳/۵۵	۲۳/۷۰	۹۱	۲۸/۶۵	۱۱۰	۳۲/۸۱	۱۲۶	۸/۶۰	۳۳	۶/۲۴	۲۴	همبستگی اجتماعی
۲/۸۶	۵/۲۱	۲۰	۱۷/۹۶	۶۹	۴۵/۳۱	۱۷۴	۲۰/۵۷	۷۹	۱۰/۹۴	۴۲	شکوفایی اجتماعی
۳/۰۶	۱۱/۹۸	۴۶	۲۶/۰۴	۱۰۰	۳۱/۵۱	۱۲۱	۱۷/۱۹	۶۶	۱۳/۲۸	۵۱	پذیرش اجتماعی
۳/۱۸											میزان کل سلامت اجتماعی

یافته‌ها نشان می‌دهد که در بین شاخص‌های سلامت اجتماعی، همبستگی اجتماعی دارای بیشترین میانگین یعنی (۳/۵۵) و شکوفایی اجتماعی دارای کمترین میانگین یعنی (۲/۸۶) می‌باشد. میانگین پذیرش اجتماعی (۳/۰۶)، انسجام اجتماعی (۳/۴۵) و مشارکت اجتماعی (۲/۹۶) می‌باشد. میانگین کلی سلامت اجتماعی (۳/۱۸) است که نشان می‌دهد پاسخگویان در حد متوسطی می‌باشد.

### آزمون فرضیه‌ها

#### بررسی وضعیت نرمال توزیع داده‌ها

برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک، پیش شرط‌هایی وجود دارد که عبارتند از: شرط نرمال بودن داده‌ها. جهت بررسی نرمال بودن عامل‌ها از آزمون تک نمونه‌ای کلموگروف - اسمیرنوف استفاده شده است.

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند:  $H_0$ :

داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار نیستند:  $H_1$ :

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیرهای	همبستگی اجتماعی	مشارکت اجتماعی	انسجام اجتماعی	پذیرش اجتماعی	خودشکوفایی اجتماعی	رفتار انتخاباتی
تعداد	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴	۳۸۴
مقادیر کلموگروف - اسمیرنوف	۲/۳۳	۱/۹۹	۲/۲۹	۲/۸۱	۲/۷۰	۳/۲۵
سطح معناداری (دو دامنه)	۰/۱۸	۰/۱۲	۰/۰۶	۰/۰۷	۰/۰۸	۰/۰۹

با توجه به جدول شماره ۴ می‌توان نتیجه گرفت که چون مقادیر سطح معناداری کلیه متغیرهای پژوهش بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشند پس می‌توان گفت که این عامل نرمال بودن توزیع داده‌ها را می‌رساند و می‌توان در تحلیل فرضیه‌های پژوهش، آزمون‌های پارامتریک را بکار گرفت.

#### آزمون فرضیه‌ها

- بین ابعاد مختلف سلامت اجتماعی (همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی) با رفتار انتخاباتی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش مبنی بر ارتباط بین ابعاد مختلف سلامت اجتماعی (همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی) با رفتار انتخاباتی زنان شهر اهواز از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. یافته‌ها به شرح جدول زیر می‌باشد.

جدول ۵. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

رفتار انتخاباتی		شاخص‌ها	نام متغیر
سطح معناداری	ضریب همبستگی		



۰/۰۰۰	۰/۳۸	همبستگی اجتماعی	سلامت اجتماعی
۰/۰۰۰	۰/۴۱	مشارکت اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۳۰	انسجام اجتماعی	
۰/۰۰۱	۰/۲۷	پذیرش اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۵	خودشکوفایی اجتماعی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	میزان کل سلامت اجتماعی	

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد سلامت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با رفتار انتخاباتی از دیدگاه زنان شهر اهواز رابطه مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین مشارکت اجتماعی با رفتار انتخاباتی ( $P=0/41$ ) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین پذیرش اجتماعی و رفتار انتخاباتی دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P=0/27$ ) می باشند.

همچنین رابطه بین همبستگی اجتماعی ( $P=0/38$ )، انسجام اجتماعی ( $P=0/30$ ) و خودشکوفایی اجتماعی ( $P=0/35$ ) با رفتار انتخاباتی از دیدگاه زنان شهر اهواز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان سلامت اجتماعی ( $P=0/34$ ) و ابعاد آن بیشتر شود میزان رفتار انتخاباتی فعال تر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

#### مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

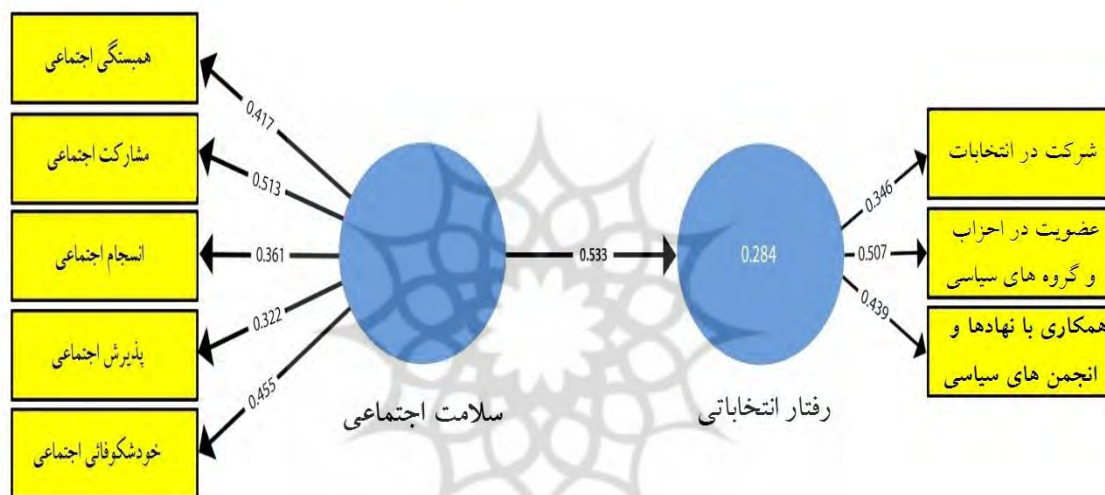
به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی در بین زنان شهر اهواز از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. در این پژوهش با استفاده از روش مدلسازی معادلات ساختاری به آزمون مدل های معادله ساختاری پژوهش پرداخته شده است. رویکرد در این قسمت، رویکرد دو مرحله ای است. بدین معنی که پس از تدوین مدل نظری پژوهش لازم است تا به بحث برآورد مدل یا به عبارتی دیگر برآورد پارامترهای آزاد در مدل و تحلیل شاخص های جزئی و کلی مدل پرداخت تا مشخص شود که آیا داده های تجربی در مجموع حمایت کننده ی مدل نظری تدوین شده هستند یا خیر.

مدلسازی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات (PLS) برخلاف روش کواریانس محور (نرم افزارهایی نظیر AMOS، LISREL و EQS) فاقد شاخص های برازش مدل مبتنی بر کای دو جهت بررسی میزان مطابقت مدل نظری با داده های گردآوری شده می باشد، این امر به ماهیت پیش بین محور PLS بستگی دارد. بنابراین شاخص های برازش که به همراه این رویکرد توسعه یافته اند مربوط به بررسی کفایت مدل در پیش بینی متغیرهای وابسته می شوند؛ مانند شاخص های افزونگی<sup>۱</sup> و حشو<sup>۲</sup> یا شاخص GOF می باشد. در واقع این شاخص ها نشان می دهند که برای مدل اندازه گیری معرفها تا چه حد توانائی پیش بینی

1. Communality
2. Redundancy

سازه زیربنایی خود را دارند و برای مدل ساختاری، متغیرهای برونزا تا چه حد و با چه کیفیتی توانایی پیش‌بینی متغیرهای درونزا مدل را دارند. برآوردهای مربوط به شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی زنان) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی



جدول ۴. برآورد شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	GOF	SRMR	NFI
مقدار	۰/۸۳	۰/۰۸۱	۰/۹۱

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده‌ها مدل نظری پژوهش را حمایت می‌کنند، به عبارت دیگر برازش داده‌ها به مدل برقرار است و شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۵. برآورد اثر متغیر سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی زنان

متغیر مستقل	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب اثر	مقدار بحرانی	سطح معناداری
سلامت اجتماعی	<---	رفتار انتخاباتی	۰/۳۰۸	۰/۵۵۵	1/2	۰/۰۰۱

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر سلامت اجتماعی در مجموع ۰/۵۵ از واریانس متغیر رفتار انتخاباتی زنان را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۰۸) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر سلامت اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر رفتار انتخاباتی در بین زنان را دارد. (۲) اثر متغیر سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی به لحاظ آماری معنادار است. بنابراین فرضیه ی کلی پژوهش مبنی بر اینکه متغیر سلامت اجتماعی بر رفتار انتخاباتی زنان تأثیر دارد، تأیید می شود. با توجه به مقدار ضریب تأثیر می توان گفت اثر متغیر سلامت اجتماعی بر متغیر رفتار انتخاباتی مثبت، مستقیم و در حد متوسط برآورد می شود، به این معنا که افزایش میزان سلامت اجتماعی می تواند در حد متوسط منجر به تقویت رفتار انتخاباتی زنان گردد.

### خلاصه و نتیجه گیری

عوامل متعددی می توانند بر مشارکت سیاسی در بین افراد یک جامعه تأثیرگذار باشد که از جمله آنها سرمایه اجتماعی می باشد. در هر جامعه خرده نظام اجتماعی در ارتباط متقابل با خرده نظام های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، اصلی ترین منبع و قلمرو روابط و تعاملات اجتماعی توأم با احساس و عواطفی است که مولد تعهدات متقابل برای برقراری پیوندها و وصل کردن کنشگران به همدیگر و ایجاد اعتماد، همبستگی، انسجام و محیط گرم است و بستری برای مشارکت در فعالیتهای مختلف جامعه از جمله فعالیت های سیاسی فراهم می کند.

با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه سلامت اجتماعی و رفتار انتخاباتی در پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف سلامت اجتماعی چون همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی، پذیرش اجتماعی و خودشکوفایی اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با رفتار انتخاباتی زنان در شهر اهواز به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته ها حاکی از آن است که بین تمامی ابعاد سلامت اجتماعی و همچنین میزان کل آن با رفتار انتخاباتی از دیدگاه زنان شهر اهواز رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در این میان رابطه بین مشارکت اجتماعی با رفتار انتخاباتی ( $P=0/41$ ) دارای بیشترین ضریب همبستگی و رابطه بین پذیرش اجتماعی و رفتار انتخاباتی دارای کمترین ضریب همبستگی ( $P=0/27$ ) می باشند. همچنین رابطه بین همبستگی اجتماعی ( $P=0/38$ )، انسجام اجتماعی ( $P=0/30$ ) و خودشکوفایی اجتماعی ( $P=0/35$ ) با رفتار انتخاباتی از دیدگاه زنان شهر اهواز دارای ضریب همبستگی مثبت و معنادار می باشد. بنابراین می توان استدلال کرد که هر چه میزان سلامت اجتماعی ( $P=0/34$ ) و ابعاد آن بیشتر شود میزان رفتار انتخاباتی بالاتر می رود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر سلامت اجتماعی در مجموع ۰/۵۵ از واریانس متغیر رفتار انتخاباتی زنان را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۳۰) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر سلامت اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر رفتار انتخاباتی زنان را دارد.

یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های باقری و دیگران (۱۳۹۷)، رضایی و دیگران (۱۳۹۶) و سو (۲۰۱۴) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در نتایج خود به نحوی به ارتباط بین برخی از ابعاد سلامت اجتماعی و مشارکت سیاسی پی بردند. یافته‌هایی که همخوان با پژوهش حاضر است. همچنین یافته‌های پژوهش با تئوری‌های لیپست، هانتینگتون و نلسون و کییز همخوانی دارد. هرکدام از اندیشمندان فوق در تئوری‌های خود به نقش سلامت اجتماعی در افزایش مشارکت اشاره کرده‌اند و عقیده دارند که سرمایه اجتماعی از طریق ایجاد فضای اعتماد و همچنین شبکه‌های اجتماعی در جامعه و از طریق بالا بردن افزایش منابع و توانایی‌های افراد باعث افزایش مشارکت سیاسی در بین مردم می‌شود.

بنابراین مشاهده می‌شود که سلامت اجتماعی یکی از منابع مهم مشارکت سیاسی در بین مردم است و با افزایش سرمایه اجتماعی در ابعاد مختلف میزان مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند. در سایه تحقق سلامت اجتماعی امکان فعالیت جمعی و تعاون و همکاری بین افراد فراهم می‌شود و بدین ترتیب به عنوان عاملی مؤثر در تقویت حس احترام افراد به حقوق یکدیگر، مانع رفتارهای منفعت‌جویانه افراد به نفع خود و به ضرر اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند می‌شود. بر این اساس سلامت اجتماعی به عنوان یک دارایی مهم برای حفظ و نگهداری سلامت جامعه و توانمندی جامعه مدنی و مشارکت سیاسی پذیرفته می‌شود. سلامت اجتماعی تمایل شهروندان را به تعامل و همکاری افزایش داده و شبکه‌ای از روابط داوطلبانه مبتنی بر اعتماد و انسجام بین گروه‌ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می‌دهد. سلامت اجتماعی مانند شیرازه‌ای افراد جامعه را به هم پیوند می‌دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می‌کند و بنابراین مسئولیت‌پذیری در قبال دیگران، مشارکت، پیروی از قانون و عام‌گرایی پدید می‌آید که هر کدام از موارد مذکور شاخص‌های اصلی رفتار انتخاباتی هستند.

#### منابع

- ابراهیم نجف‌آبادی، اعظم. (۱۳۹۱). عوامل مؤثر بر میزان سلامت اجتماعی زنان جوان ۱۵ تا ۲۴ ساله شهر اصفهان (با تأکید بر میزان حمایت اجتماعی). سلامت و روانشناسی، دوره ۱، شماره ۲.
- باقری، معصومه؛ حسین زاده، علی حسین؛ شجاعی، حسن؛ (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز). فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳، ۶۲-۲۹.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۰). بی‌تفاوتی اجتماعی، ماهنامه ایران فردا، شماره ۱۱.
- پای، لوسین دبلیو. (۱۳۸۰). بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. مترجم: غلامرضا خواجه‌سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تافلر، آلین. (۱۳۹۷). موج سوم. ترجمه شهین دخت خوارزمی. تهران: نشر خوارزمی.
- چلبی، مسعود؛ (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نی.
- حاتمی، پریسا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی دانشجویان با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

- راش، مایکل. (۱۳۹۳). جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- رستگارخالد، امیر و عظیمی، هاجر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با شهروندی دموکراتیک مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تهران. علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۵۹).
- رضایی، محمد؛ آذین، احمد؛ جعفری نژاد، مسعود؛ (۱۳۹۶). بررسی رابطه میزان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی از نظر دانشجویان دانشگاه مازندران. رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۹، ۱۰۱-۱۲۲.
- زاهدی، محسن و شجاعی، حسن و کمالوند، حسین و شریعتی نژاد، رشید. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی زنان شهر اهواز، کرج: کنفرانس بین المللی تحقیقات بنیادین در مدیریت، توسعه و علوم انسانی.
- سجادی، حمیرا و سیدجلال صدرالسادات. (۱۳۸۳). شاخص های سلامت اجتماعی. مجله علمی آموزشی اطلاعات. شماره ۲۰۷.
- شهرام نیا، امیرمسعود؛ ابراهیمی پور، حوا؛ محموداوغلی، رضا؛ ملکان، مجید. (۱۳۹۶). سنجش تأثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران. جامعه شناسی کاربردی سال بیست و هشتم بهار ۱۳۹۶ شماره ۱ (پیاپی ۶۵).
- عبداللهیان، حمید و کرمانی، حسین. (۱۳۹۴). تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره چهارم زمستان ۱۳۹۴ شماره ۴ (پیاپی ۱۶).
- فدایی مهربانی، مهدی. (۱۳۸۶). شهرنشینی، رسانه و سلامت اجتماعی. نشریه ی پژوهش و سنجش، شماره ۴۹.
- فرزانه، سیف الله و عزیزاده، سمیه. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت اجتماعی سالمندان شهر بابل. فصلنامه ی مطالعات توسعه ی اجتماعی فرهنگی، دوره ی دوم، شماره ی ۱، تابستان.
- گلابی، فاطمه. حاجی لو، فتانه. (۱۳۹۱). بررسی جامعه شناختی برخی عوامل مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی). فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران، دوره ۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱، بهار. ۲۰۰ - ۱۷۳.
- محبی، سیروس؛ رستمی، مسلم؛ کلاتری پور، سمیرا؛ سلطانی، اقبال. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان در مناطق حاشیه نشین شهرها (نمونه مورد مطالعه: مناطق حاشیه نشین شهر کرمانشاه). فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، سال دهم، شماره ۳ (پیاپی ۳۴) پاییز.
- ملائکه، سید حسن و امیری فر، الهام. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط بین ابعاد مختلف دینداری و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر ایذه. فصلنامه علوم اجتماعی شوشتر، دوره ۱۲، شماره ۴۱، تابستان. ۸۶-۶۱.
- مهدی خانی، علیرضا. (۱۳۸۰). توسعه سیاسی و اقتصادی. تهران: انتشارات آرون.
- نوری، زهرا و سهیلی، جمال الدین. (۱۳۹۹). ارزیابی جایگاه سلامت اجتماعی بر میزان مشارکت اجتماعی دانش آموزان در مدارس اجتماعی (نمونه موردی: مجتمع آموزشی تزکیه و مجتمع آموزشی مهدوی در شهر

- تهران). تهران: هفتمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری و ششمین نمایشگاه تخصصی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان تهران.
- نیک پور قنوتی، لیلا؛ معینی، مهدی؛ احمدی، حبیب. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مرتبط با مشارکت سیاسی. زن و جامعه (جامعه شناسی زنان سابق)، سال سوم، شماره ۱ (پیاپی ۹)، بهار.
- Barkan, Steven. (1998). Race, issue engagement, and political participation. *Race & society*. 1 (1): 63 – 76.
- Teney, C. & Hanquinet, L. (2017). High Political Participation, High Social Capital? A relational analysis of youth social capital and political participation. *Social Science Research*, 41(5), 1213-1226. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ssresearch.2012.03.012>.
- Hoffman, A. and Dowd, R. (2014). *Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda*, Department of Political Science, University of Notre Dame.
- Huntington.S & J.M Nelson (1976), *Political Participation in Developing Countries* Cambridge, Harvard University Press.
- Jemna, V & M. Curelaru, (2009). Values and Students' Political Participation, *Journal for The Study of Religions and Ideologies*, 8, (24).
- Keyes , C . M & Shapiro , A . ( 2004 ) , ' Social Well- being in the U.S : A Descriptive Epidemology ' . In orvill Brim , Carol D .
- Keyes, Corey Lee.M. (1998). Social well-being, *Social Psychology Quarterly*, vol.61,N.2,pp121-190.
- Keyes , C . M ( 2002 ) . The Mental Health Continuum : From languishing to flourishing in life . *Journal of Health and Social Research* . 43 . 207 – 222
- Larson James. S (1996); "Measurment of Social Well-being Social Indicators", *Research* , Vol 28, PP 285-96.
- Larson James. S (1996); "Measurment of Social Well-being Social Indicators", *Research* , Vol 28, PP 285-96.
- McClurg, S.D. (2003), *Social Networks and Political Participation: The Role of Social Interaction in Explaining Political Participation*. *Political Research Quarterly*, 56 (December). 449-464.
- Norris, Pippa (2005). "Political Activism: New Challenges, New Opportunities" in Charles Boix and Susan, C. Stokes (eds). *The Oxford Handbook of Comparative Politics*. New York: Oxford University Press.
- Nygard, M., Nyqvist, F., Steenbeek, W., & Jakobsson, G. (2015). Does Social Capital Enhance Political Participation of Older Adults? A Multi-Level Analysis of Older Finns and Swedes. *Journal of International and Comparative Social Policy*, 31(3), 234-254.
- Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", *Journal of Computer-Mediated Communication*, Vol. 14, No. 2.
- Ryff & Ronald C . Kessler ( Eds ) , (2003). *Healthing Are you ? A national study of well-being of Midlife* . univwesity of Chicago press.
- Suh, Hyungjun. (2014). *Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political Development, and Economic Inequality*. University of Arizona.

## Investigating the relationship between social health and electoral behavior of women in Ahvaz

### Abstract

Women, as part of the human capital of any society, with their political participation can play a decisive role in governing the country, and therefore, paying attention to their electoral behavior is an important issue. Considering the importance of discussing women's electoral behavior, the present study seeks to answer the main question of whether there is a difference between different dimensions of social health and Is there a connection between the electoral behavior of women in Ahvaz? The statistical population of the present study is women 18 years and older in Ahvaz, of which 384 have been studied as a sample size. The results show that between social health (0.35) social and its dimensions, ie social correlation (0.38), social participation (0.41), social cohesion (0.30), social acceptance (0.27) And social self-fulfillment (0.35) has a positive, direct and significant relationship with women's electoral behavior. Therefore, all research hypotheses are confirmed. The results of the structural equation model (Smart PLS) also showed that the social health variable explains a total of 0.55 of the variance of the variable of women's electoral behavior, taking into account the values of the volume of the effect of the coefficient of determination of this average value. (0.30) is estimated.

Keywords: social health, electoral behavior, political participation, women.

